



۲۰۱۶/۱۲/۱۳

م. اسحاق نگارگر

سنای امریکا شکنجه های سازمان جهمی سی. آی. ای. را افشاء کرد

هنوز هم دولت های زور گوی جهان متکی بر شلاق و شکنجه هستند. سازمان های مدافع حقوق بشر نتوانسته اند که لکه شلاق و شکنجه را از دامان پولیس و نیرو های امنیتی دولت های جهان پاک کنند اما معمولاً وقتی به اصطلاح آب ها از آسیاب ها فرو می افتد راز ها هویدا می شود ولی شکنجه گران مجازات نمی شوند و شکنجه همچنان در فرهنگ دولت های ستمگر باقی می ماند. من این یادداشت را در دهم دسامبر ۲۰۱۴ یعنی دو سال پیش نوشته بودم. ۱۰ دسامبر ۲۰۱۶ بر منگم نگارگر

*** **

سنای امریکا شکنجه های سازمان جهمی سی. آی. ای. را افشاء کرد. کاش امریکا غرور خدا گونه جارج بُش را نیز افشاء کند! مگر سی. آی. ای. می توانست بدون موافقه جارج بُش و دیگر دژخیمان دور و بر او مردم را در زندان های ابو غریب، بگرام و گوانتانامو شکنجه کند؟ سنای امریکا اگر جلو تاخت و تاز های امریکا را برحق حاکمیت دیگر کشورها بگیرد آن وقت سی. آی. ای. نیز مجبور نخواهد شد که اراده امریکا را به زور شکنجه بر دیگران تحمیل کند و یا برای جرم های ناکرده از مردم اعتراف بگیرد.

من ترجمه این شعر استیفن کرین (۱۹۰۰-۱۸۷۱) [Stephan Crane] را به خاطر همه کسانی که در دست نیمه خدایان سی. آی. ای. شکنجه شده اند با اصل انگلیسی آن تقدیم می کنم. امریکا با این کار در حقیقت به جهانیان می گوید: "من در روسیه، چین، کیوبا، عراق، افغانستان، سوریه و گوشه گوشه آفریقا پاسدار حقوق انسانی انسان ها استم ولی آنان را که من شکنجه می کنم، جهان باید بداند که شکنجه های امریکایی "شکنجه" است اما غیر انسانی نیست زیرا که شکنجه امریکایی است و قمعین امریکا از تارهای بسیار نازک ابریشم ساخته شده است که افکار نمی کند و تنها گرد های لباس متهمان را می تکاند!" به هر صورت به امید اینکه دولت های جهان تا بدان پایه از انسانیت برسند که دست از شکنجه و زیر پا کردن حق انسان ها بردارند و غرور انسان ها را با تعذیب و شکنجه پامال نمایند. این شما و این هم شعر استیفن کرین:

نیمه خدای خشمگین

خشمگین نیمه خدا بود و در آن آتش خشم
سخت می کوفت یکی غمزده انسانی را
دستبندش زد و غرید و نکردست گهی
به چنان شیوه لگدمال کس حیوانی را
مرد فریاد کشید و دگران گرد شدند
تا ببینند ستم کُش شده غریانی را
همه گفتند چه بدبخت بود مرد شریر
کس ندیدست بدین مرتبه خاقانی را

آری اگر شکنجه ها و اعمال زور و ستم های سی. آی. ای. نبود چه کسی و چه چیزی ثابت می کرد که جهان دیکتاتوری یکه تاز دارد که هر کجا خواست رخس غرور خود را می تازد و هر که را خواست زیر شلاق می اندازد و تمامیت ارضی دیگران برایش دو توت هم ارزش ندارد.

و این هم اصل شعر به زبان انگلیسی یعنی که "با یار نو از غم گهن باید گفت++ لاید به زبان او سخن باید گفت.

A god in wrath

A god in wrath
Was beating a man,
He cuffed him loudly
With thunderous blows
That rang and rolled over the earth.
All people came running.
The man screamed and struggled,
And bit madly at the feet of the god.
The people cried: " Ah what a wicked man!
And
"Ah what a redoubtable god!"
Stephen Crane (۱۸۷۱ - ۱۹۰۰)